

تحصن در اینترنت

شماره ۱۰

(دومین نامه آقای ر... ی از اهواز)

این نامه که روی کلمه «دکتر» به خاطر نادرست بودن این لقب علمی به محمد حسینی سیاه شده و نام فرستنده نیز به خاطر حفظ جان ایشان در برابر مظالم دژخیمان نظام حکومتی در ایران محفوظ مانده عینا در زیر درج می شود. روی سخن این هم میهن بسیار گرامی به جناب آقای منوچهر تقوی بیات است. بنابراین به محض دریافت جواب از طرف آقای تقوی بیات نسبت به درج آن اقدام خواهد شد.

محمد حسینی

جناب [] حسینی

با درود فراوان به شما و همه کهنه مبارزان

وقتی نامه آقای تقوی بیات را خواندم از کرده خودم بسیار ناراحت و نگران شدم که آیا در رساندن پیغام و منظور خودم آنقدر دچار ضعف هستم که شما را نیز مانند این دوست گرامی ناراحت کرده باشم. لطفا متن ذیل را به آدرس شخصی ایشان ارسال کنید شاید رفع سوء تفاهم شود. ضمنا توصیه شما فعالیت روزانه ماست و فکر میکنم بهترین راه نیز همین باشد.

موفق باشید

ر [] ی - اهواز

جناب آقای منوچهر تقوی بیات

درود فراوان بر شما و همه هم‌رزمان و آزادیخواهان

نه من و نه هیچ ایرانی آزاده ای که در صف مبارزه ایستاده نمیخواهد هم‌رزم خود را در رنج ببیند چه رسد به اینکه این رنج ناشی از کردار او باشد. وای بر من و ما که با گفتارمان زخم بر تن رنجور هم میگذاریم (دانسته و ندانسته) وای بر من که باعث رنجش خاطر کهنه مبارزانی مانند شما و آقای حسینی شدم. دوست عزیز چرا خار چشم؟ من اگر میدانستم این سوال باعث کدورت شما میشود صرف نظر میکردم ولی آیا شما راضی هستید من با برداشت غلط در اشتباهات خودم و ابهام؟ من دو سوال کردم که نیاز به پاسخ دارد بیانیید نگذاریم ابهامات ما باعث استنتاج غلط شود. وقتی تحصن نامه اول [] حسینی را خواندم نکته ای بس گوهر بار یافتم که تیتز نامه ایشان بود

مصدق بت نیست - مصدق الّهی مقبول نیست؛

مصدق به تعریف و تمجید ما نیازمند نیست؛

این ماییم که باید «راه مصدق» را

بشناسیم و پیش رو نهیم

دیگر زمان مقدس سازی گذشته. هرچه یک فرد را بیشتر تمجید کنیم بیشتر از افکارش دور میشویم. برعکس هر چه نقادانه به اطرافیان بنگریم ذات پاک افرادی مانند مصدق بیشتر افشاء میشود و به اصالت افکارش نزدیک تر میشویم. این نکته رامن از سخن آقای حسینی درک کردم. اگر اشتباه متوجه شدم مرا روشن کنید.

ما همیشه وامدار گذشتگان بودیم و آموخته هایمان از ایشان است و همیشه در بیان عقایدمان به درسهایی که از ایشان گرفتیم اشاره میکنیم در این شک نکنید. ولی این سوال در ذهن من بی

پاسخ است که اگر هر نهضت سیاسی با رهبری آگاهترین و مقبولترین فرد هدایت میشود و اگر حرف حق نیز نیازمند مدافع خوب است و اگر هر بار جز این شده ناحق جای حق را گرفته و اوضاع امروز نیز نتیجه اشتباهات و دفاع بد گذشته است چرا امروز به دنبال رهبری مانند مصدق جستجو نکنم و اگر نیافتم به پرورش آن تلاش نکنم. اگر سال 30 - 32 توانستیم موفقیتی چنان بزرگ کسب کنیم به خاطر درایت و تدبیر رهبری خوب به نام مصدق بوده و اگر پیروزی 57 را نتوانستیم جشن بگیریم به خاطر نبود رهبری مثل مصدق بوده. با این حد سواد به من حق بدهید به جای آنکه برای نهضت امروز شعار یا مصدق بدهم این سوال را بکنم که چه کسی امروز میتواند جای خالی او را پر کند. چه کسی هست که افکارش، اهدافش را درک کرده و در راه او قرار دارد.

قدرت حکومت اسلامی از ضعف ماست و آنها تنها بر اشتباهات و (با پوزش) حماقت ما حکومت میکنند. رهبری نهضت امروز نیاز به وجود فردی تصمیم گیرنده دارد که مانند مصدق بتواند همه افکار مختلف را در یک صف کنار هم در مسیر یک هدف اصلی و متعالی هدایت کند. شاید شما نیز این حس را کردید که سکوت امروز مردم به دلیل جستجوی قهرمان جان فدائی مانند مصدق و یاران وفادارش مانند دکتر فاطمی است. مردم امروز تنها به این دلیل زجر و شکنجه نمی به این بزرگی را تحمل میکنند تا اشتباه 57 را تکرار نکنند.

سوال دوم من نیز درخواست برای همکاری با آن اشخاص که نام بردم نبود. مطمئن باشید تک تک 70 میلیون نفر ایرانی هرگز اینان را به عدالت خواهی قبول نخواهند کرد. سوال من از همه دوستان (و خودم نیز) این است که اگر مردم در یک انتخاب کاملاً دمکراتیک خواهان فردی مانند ایشان باشد آیا حاضر به پذیرش رای اکثریت مردم هستیم. آیا میپذیریم که اگر مردم ما را قبول نکنند به انتخابشان احترام بگذاریم؟ اعتقاد من این است که گذاشتن هر نوع فیلتری بر انتخاب مردم دیکتاتوری است و مغایر تعریف دمکراسی است که فرمودید. خواهش میکنم از سوال من نرنجید و اگر اشتباهی را در افکارم یافتید پاسخ آگاهی بخش بدهید. باور کنید وقتی متوجه ناراحتی خاطر شما شدم بیشتر از آنکه چشم برنجد، جگرم سوخت. پس خواهش میکنم آنچه را که میدانید و در فضای آزاد خارج آموخته اید در اختیار زندانیان درون ایران قرار دهید و بگذارید به هم آگاهی برسیم.

سوال دیگری نیز دارم که نپرسیدم ولی اکنون از شخص شما سوال میکنم که آیا شما که در برخورد با گروهها و افراد مختلف قرار دارید در میان سیاسیون و آزادیخواهان امروز فرد آگاه و آزادیخواهی را سراغ دارید که بتواند از خواسته ها و اعتقاداتش به نفع هدف اصلی مردم گذشت کند و همه مارا در یک جبهه صف آرائی کند؟ لازم است خاطر نشان کنم که هر روز که میگذرد علاوه بر آنکه پیشرفتی در اوضاع مملکت نمی شود بلکه برعکس آنچه که مصدق و یارانش به خاطر آن از همه چیز خود گذشتند در حال از بین رفتن است. اخیراً قرارداد جدیدی با همان تیپ بیع متقابل در منطقه پارس جنوبی بسته شده. این تیپ قرارداد دقیقاً مخالف دستاورد نهضت 32 است. نفت دیگر ملی نیست بلکه با دولتهای اروپایی به اشتراک گذاشته شده است. در خاتمه مجدداً خواهش میکنم سوالات من را ناشی از غرض ندانید و به حساب استنباط شخصی و استفهام بگذارید.

این نامه را توسط جناب ██████████ حسینی برای شما و اگر موافق باشید این گفتگو را تا زمان حصول یک اعتقاد مشترک مناسب این تحصن گاه ادامه دهیم.

به امید آزادی همه ایرانیان و استقلال واقعی ایران
به امید روزی که اندیشه های دکتر محمد مصدق درس هر دبستان شود

ر. . . . ی - 84/2/22 اهواز